

بسمه تعالی

عنوان:

راه های خدایابی و خداشناسی

گرد آورنده: مینا مصطفی لو (طلبه پایه ۳)

چکیده:

هدف نوشتار یتبیین راههای خداشناسی  
و خدا یا بیاست که بهدوشکتا بخانهها یا بزار فیشبر دار یا انجام شده است خدا شناسی به معنای شناختن ذات خداوند گرفته شده است که هشتاد و هشتاد و نه تنها انسان بلکه برای همه مخلوقها امکانپذیر نیست. ذات خداوند نامتناهی و مطلق است.

وسایر موجودات محدود و متناهی هستند بر خیر راههای بشر بهسو بخدار اسهراها صلیمیدانند و بعضی هشترا هو گروهی هم نهرا هیکنظر یه بهطور کلیمثال راههای خدا شناسی بر سه نوع است  
۱- راهدلیا فطرت ۲- راهحسو علم راهطبیعت ۳- راهعقلیا فلسفه

- ۱

راهدلو گانه نیز آدمی ما را جمع در دلخویشو بینیا زیا هر گونه استدلالعقلییا مشاهدهتجربییخویشرا مییابد و ز راهدلبهکویار میرسد

۲- راه تجربه  
گاهانسان بهجایبهر هگیر یا اصولوقواعد عقلی، نظریهجهانپیرامون خود میافکنند و با مشاهدهتجربییقواندیشهورزی در اوصافو پدیدها میموجود در جهانبهو جو خداوند و اوصافو رهنمون میگردد.

راه عقل را هیاست که هر آن انسان با مدد گیر یا ز مقدمات تور و شها یکا ملاما عقلیو جو د خدا و اتصافا و رابها و صاف خاصا ثابت میکن  
د.

در قرآن راههای زیادی برای خدا شناسی معرفی شده است و یکی از آنها که بیشتر از هر راه دیگری روی آن تکیه شده از ویژگیهای قرآن  
ناستاین است که به بشر را به آیتش و یقین میکند.

## کلید واژه:

خدا شناسی، خدایابی، عقل، تجربه، فطرت، قرآن

## مقدمه:

تصور ذات خداوند بر ایما که موجوداتی محدود و دو ماده هستند یا مستحال و معرفت بشرین نمیتواند به کنه ذاتی و در گام  
ر دست یافتند اما مکان معرفت تحقیقی ما به ذاتی و در گام متعالیها بند لیا است که ذاتی و تعالی ما محدود است و ما محدود و  
محدود به کنه نامحدود در اینند. علاوه بر پیوسته در زندگی ما دید خود به یک سلسله معلولات جسمانی که آغشته  
هی که شته قیود جسمانی و مانع میباشند گرفتاریم و هیچگاه حواس و تخیل ما یک موجود بیقید و شرط مطلق را نمیتوان  
و اند تصور کنند. در عین حال ما یقین داریم که خدا بی وجود دارد زیرا این جهان نمیتواند بدون خالق و مدبر باشد پس خالق توان  
ایدارد. بنابراین اگر چه خداوند را نمیتوان شناخت ولی با اصلا و جو د شر ان نمیتوان انکار کرد و ثانیاً با استفاده از شناخت  
صفا تا و نمیتوان به یک شناخت نسبی رسید و گفت خداوند و جو د مطلق - کمال مطلق - غنا میمطلق قدر مطلق -  
علم مطلق و به طور کلی ذاتی که دارا ایتما کمالا است .

باید دانست که راههای خدا شناسی بسیار است و بر این متعدد در اثبات خداوند متعالی و جو د در دنیا بر این باید دانست که هر  
یا ثبات و جو د خدا را بهای بسیار یو جو د در دامایر خیاز راهها مو ثقت و شرف و نور انیترا از بعضی دیگر است و قدمنها بید  
را اینها ناست که به عقل خدا را اثبات و با دلا و رابها جان پذیرفت .

در این رابطه با اینسوال کهر اهرها یخدا شناسیو خدا یابیچهجا یگاہواہمیتوچہویژگیہایبیدارد. در کتابآموزشعقایدت الیغمحمدتقیمصباحیزدی،آموزشکلاماسلامیتالیغمحمدسعیدیمہروروتخودشناسیومطالعاتخداشناس یتالیغمحمدشجاعی،خداازدیدگاہقرآنتالیفاحمدجعفریوتبیینوراہیناثباتخدا تالیف عبداللہجوادیآملیواثبات وجودخدا تالیفاحمدآرامنگارشدهاست.

ولیبہصورتکافیو جامعہراہہایخدا یابیوخدا شناسیپر داختہنشدهاستولکن در اینمقالہدر صدد پاسخگو ییبہای نسوالدر تبیینراہہایخدا شناسیو خدا یابیہچہمواردیپر داختہاند؟

## ۱- خداشناسی:

گاہممکنخدا شناسیہممعنای «شناختداتخداوندگرفتمشود» یاخدا شناسیہمینمعنایمکاندارد پاسخہاینم طلبدر نظر متکلمانوحکمایالہیصنفاستودلایعلقلیونقلیفر اوانیوجوددارد کہشناساییداتخداوندنہتہابرایان سانبلکہبرایہیچمخلوقیامکانپذیر نیستو خلاصہدلیلعلیبر اینمدعاآناستکہذاتخداوندنامتناہیومطلقاستو سایر موجوداتمحدودومتناہیاندا از طرفیشناساییو علمداراک،یکنوعاحاطہبر معلوماستوموجودمحدودنمیتوا ندبر موجودنامحدوداحاطہیابد. ممکن نیستمخلوقاتخداوندبر ذاتوا گاہییابندبنابر اینہتہناکہذاتالہیبرایمان اشناختہاستبلکہاساساچنینشناختنمتنعشمار میآید.

## ۲- شناخت موجود بودن خدا:

مرحلہدیگر خدا شناسیاینستکہہدانیمخداہستو اینشناختسببمیشود کہانساناز صفلمحدانوشکاکانجداشو دودر صفخدا شناسانومتالہانقرار گیر واینوعشناختنہتہابرایما اشکالدار دبلکہہیایہواساسسطوحدیگر خداس ناسیاست.

## ۳- شناخت اوصاف افعالی الہی:

مرحله دیگر خداشناسی آگاهی از اوصاف افعال خداوند است پس آنکه انسان با صلوات خداوند را پذیرفت در صد شناخت  
تفصیلی و اوصاف افعال او بر می آید. (سعید میهر، ۱۳۷۷؛ ۱: ۲۵)

#### ۴- راهها ی خدا یا بیو خداشناسی

اگر راهها ییکه آد میانبر ایشناسا یی خداوند در پیشمیگیرند نظر کنیم باید گفت که هر انسان را هم مخصوص صبه خود دار  
دوهر کسب هگونها یا ورامی یاد می شناسد. از این دیدگاه راهها ی شناخته خدا بیشمارند و از همین رو گفته شده است که  
«الطریق الی اللہ بعدد نفوس (انفاس) الخلائق» (مجلسی، بی تا؛ ۶۴؛ ۱۳۷)

بهبسو ی خدا به تعداد جانها (یا نفسها) مخلوقات است. به طور کلی آن راهها را به دو دسته می توان دسته بندی کرد: ۱-  
استدلالی و نظری ۲- شهودی و عملی.

راه استدلالی و نظری آن است که انسان با استفاده از مقدمات و اصول عقلی ادله بر اثبات وجود خداوند و بر صفات و افعال او  
حی کند. و در راه دو مکهر ا ه شهود است.

انسان از طریق تهذیب نفس و تصفیه باطن و از رهگذر یسیر و سلو کب هجا ی می رسد که خدا ی خویش را با چشم دل مشاهده  
می کند. و اوصاف و جمال او جلالات او را می یابد. (مصباحی زدی، ۱۳۷۰؛ ۲؛ ۳۵۷)

انسان در طول تاریخ راهها ی متفاوت و متعدد را بر ابرایر سید نهی خدا و اوصاف و افعالش کشف و طی کرده است. این راهها توسط  
کلفان شر قو غر بتفصیلاً مورد بحث قرار گرفته است. بر خیر راهها ی بشر به سو ی خدا شناسی بر سه نوع است: ۱-  
راه دل و فطرت ۲- راه حس و علم یا راه طبیعت ۳- راه عقلی یا فلسفه (مطهری، ۱۳۷۱؛ ۶؛ ۹۳۴)

#### ۵- فطر ت خدا خواهی و خدا جویی:

نوعی جاذبه معنوی است میان کانون دل و احساسات انسان از یک طرف و کانون هستی و کمال مطلق از طرف دیگر. (سبحانی،  
۱۴۱۶ ق؛ ۳؛ ۵)

نظیر جاذبه‌ها یکهمیانا جسم‌ها را جود استیا گرایش می‌انکود کومادر شدر حالیکه کود کا گاهانه‌ها در انمیشناسد اما  
حسمادر خواهیدر ذاتا وست. راهر سیدنبه‌خدا از اینطر بقاستکه‌هد لور و حر از آلود گی‌ها تصفی‌هکنیم‌آ نگاه‌کانونعال  
مهستی‌عین‌خدا آنرا بهشد تجذب می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۱؛ ۹۳۵)

معرفته‌خداوند از طریقه‌فانوحیانیدر همین‌شاهراه‌مندرجاست. دستاوردها فانوپیمبر اندر باره‌خدا شناسیاز  
این‌ره‌گذر بهدستی‌آید. همچنین کسانیکه به‌طور کلی، حالت‌تجر بهدین‌پیدا می‌کنند. بعضی‌غیر از خدا گرایفطریب  
خدا شناسی فطری بهم معتقدند یعنی انساندر نوع‌خلقتش به‌خدا علمدار دام‌ها ینعلم خود علم‌ندارد. (قوام‌ملکی،  
۱۳۹۰؛ ۳؛ ۹۶)

بعضی‌ها اعتقاد دارند که هر گرایش که در انسان باشد پاسخگوییدر عالم‌خارجدار دانسانبه‌کمال‌مطلق‌گرایش‌دار دپس  
در خار جموجود است.

## ۶- راه‌علم و طبیعت:

ایناستکه انساناز طریقه‌حس و علم متجربو طبیعی، نظم‌پیچیده‌ها تدبیر حیرت‌انگیز برآکهدردل طبیعت تحقیق‌دارد ک  
شفکند و از اینطر یق‌آنبه‌جود ناظم‌دان و حکیمی‌که‌هاز این‌نظام بسپیچید هوش‌گفتی‌آفرین، غرض‌و غایتی‌متعالیرا خو  
اهاناست، پیببرد.

و باخدا و بعضی‌از او صاف‌شاز اینطر یق‌آشنا گردد. برهان‌نظمی‌اتقان‌صنعا ز ایندست‌بهر اهیناستتودهمردماز اینرا همتات  
رندو بهتر آنرا می‌پذیرند اما عمدتاً راه‌فطریا فلسفه‌راتر جیحیمیدهند. (دستغیب، ۱۳۹۲؛ ۱۳۸)

## ۷- راه‌عقل‌خالص و فلسفی

ایناستکه‌هاز طریقه‌قوانین‌عقلی‌محضو پیچیده‌بتواند به‌خدا یمتعالرا هببر دو او صاف‌کمالو جمالو جلالو را بهتر بشنا  
سد. که‌ها نیازز راه‌نیاز به‌پرور شعقلدر سطح‌بالاییدار دو عقل‌پخته‌هومانوسبال اصولبرهانیرا می‌طلبد. مثلاً از راه‌هانو  
وجوب، وجوبو اجبالو جودرا که‌همان‌خداست. کشف می‌کند و به‌یقین‌عقلی‌میرسد. یعنی‌از طریقه‌کشف‌فقر این‌عالم‌ونیاز  
آنبه‌یکموجود غنی‌مطلق - که‌هاز هر جهتا ز هر موجود دیگر بی‌نیاز است - به‌خدا میرسد.

ترسودر دومر گاگاهی

(اطلاعاژمر گخود) از موقعیتها یخاصیهستند کهباعثایمانبهدخدا میشوند. در اینهدستهدلایلکهگذشتهمطرف داراناینراههدار اینامر مشتر کند کهاستدلادر جهتا اعتقادبهخدا کار آیدار داماکسانیهمهمستند کهمعتقدنداست دلبر ایایمانماندنطنابیاستکهبهگر دنایمانر دمیا فتدو آنرا خفهمیکند: شدیدتر از اینها کسانیا ند کهعقلویقی نرابایمانبهدخدار تضادمیبینند: مثلکییر کگار دمتفکر دانمار کیومعتقدند اگر بهچیز ییقینداشتدیگر اصولازمین هایمانمنتفیاستوایماندر جایمیرود کهیقینواستد لایقینینباشد. وایننحوهتفکر ایمانگرایمیگویند. (جعفری ۲۳؛۱۳۸۰)

## راههایخدانشناسیدر قرآن

درقرآنراههایزیادیبرایخدانشناسیمعرفیشدهاستویکراهکهبیشاز هرراهدیگر رویانتیکیهشدهاستواینراهازوی ژگیر آناستایناستکهبشر را بهآ یا تافاقیوانفسیکهانهماز مختصاتقرآناستتشیو یقمیکند یعنیموجوداتومخلوقات را آئینمینامد. آئینهمیخواندومر تبمر دمرا دعوتبهمطالعهدر آنها میکند. مطالعههدر هر مخلوقیاز نظر قرآنمطالعاه در آئینهاست.

کهبا آنخدا میتوانشناختودر اینموضوعاً یاتزیادیدر قرآنهستکهبهعنوانمثالیکآیهاینجایانمیگردد. «سنربهمآی اتنا فیالافاقوفیانفسهمحتیتیبینلهمآنهالحق» (شیرازی، ۱۳۵۶؛ ۱۸؛ ۳۵۰)

پساز اینآیاتخودمانرا در آفاقودر نفوسارائهخواهیمکرد. زیرا آیاتانفسیمار ابهمطلبیمیر ساندو آیاتافاقیبهمطلبدی گریزیرا آنچهکهانساناز آیاتافاقیمیا آموزد با آنچهاز آیاتانفسیمیا آموزد از نظر خدانشناسیمتفاوتاستقرآنمیگویدش ما آیاتافاقیوانفسیر مطالعهکنید؛ زیراقرآنکانهمیگوید: بشرهنوز طبیعترا نمیشناسد هنوز آفاقوانفسرا آنطور کهبایدوشایدنمیشناسد. مابعداز اینآیاتخودمانرا چهآ یا تافاقیو چهآ یا تانفسیبهمر دمارائهخواهیمداد تا کاملامطلباً شکار بشود وحقمطلبباوست (مطهری، ۲۶۸)

قرآنرا آیهدیگر راهیدیگر خدانشناسیرایانمیکند «اولمیکفبر بکانهعلیکلشیشهیداصلاً یا تذا تپورودگار برایدات شکافینیستکههنیاز یباشد کهاز راههایافاقوانفساور ابشناسند. یعنیاور از خودشهمیشودشناختاً یا اینکهپیرودگ

ار توبر هم‌هچیز احاطه‌دار د کافینیس‌تبرایشناختا و؟ الا انهم‌فیمیر بهمنلفاءر بهمالا انهبکلشیم‌محیط (مکار مشیر از ی، ۱۳۶۶؛ ۲۷؛ ۲۹)

اینه‌دار تردیدند که‌پروردگار خودشانرا یکروز ملاقات‌خواهند کرد و لیب‌دانید که‌او بر هم‌هچیز احاطه‌دار د. از این‌آیها ینطور استفاد هشد که‌خدا را ابهد و گونهمیتوانشناختیکیا ینکه‌خدا را از آئینهم‌خلوقات‌بشناسیمود یگر اینک‌هخ دا از خود‌خدا بشناسیم.

اگر انسانکمیتاملکنند در اینمطلبکه‌اصلا خود هستی، آنکه‌حقیقت‌هستیاستنیستیومحدویت، اینجابودنوا نجابو دنایز مانبودن آنز مانبودنبر نمیدارد، اینهاهم‌هدر بار هموجود یاستکه‌هم‌قهور استوالا ذات‌هستیکه‌هم‌قهور چیز نییس توقتیم‌قهور چیز ینباشد حدی، نه‌ایتی، محدودیتبیرا یا ونیست، اگر شما در هستیتاملکنید او لچیز یک‌هپیدامیکنی د خود‌خداست. (طباطبایی، ۱۷؛ ۴۰۵)

آیا تا فاقیه‌مچون‌آفرینش‌خورشید و ماه‌وستار گان‌بنا نظام‌دقیقیک‌هبر آنها حاکماستو آفرینش‌انواع‌جاندارانگیاهان، کوه، دریاها باعجایبوشگفتیه‌بیشمار شوموجودانگوناگونکه‌هرز ماناسرار تازها یا ز خلقت‌آنها کشف‌میشود، وهری کآیهونشانهاستبر حقانیت‌ذاتپاکا و آیتانفسهم‌چون‌آفرینشدستگاه‌هایمختلفجسمانسانونظامیک‌هبر ساختمان حیرتانگیز مغز و حرکاتمنظمقلبوعروقوبافتها، استخوانها و انعقادنطفه‌وپرورش‌جنیندر رحم‌مادرانواز آنبالاتراس راروشگفتیه‌ایرو حانسانمیباشد که‌هر گوشها یا ز آنکتابیاستبر معرفتپروردگار و خالقجهاناسرار شگفتیه‌ایرو حان سانمیباشد که‌هر گوشها یا ز آنکتابیاستبر معرفتپروردگار و خالقجهان (پور فلاحی، ۱۳۷۷؛ ۸۶)

درستاستکه‌این‌آیاتقبلا به‌انداز هکافیاز سو‌پیرودگار ار ائهدها ما با تو جهبه‌جمله‌سنر یهمکه‌هفعل‌مضار عودلیلبراستمر یا است، اینار ائهبه‌طور مستمر ادم‌هدار د. و اگر انسانصدها هزار سالنیز عمر کند هرز مانکشف‌تاز هوا ر ائهدجید یا ز آیاتاله‌یخواهد داشتچرا که‌اسرار اینجهانیا ننا پذیر نیست. تمامکتابهایعلومطبیعیوانسانشناسیدر تماماب عادش (علمو تشریح، فیزیولوژی، روانشناسی، روانکاری) و علوممربوطبه‌شناختگیاهانوحیوانات، مواد آلیطبیع توهیئتو غیر آندر حقیقتهم‌هکتبتو حیدومعرفتالله‌هستند چرا که‌عموما پرده‌از رویاسرار شگفتانگیز برمیدارند ک هیانگرمعلمو حکمتوقدر تبیپایان‌آفریننده‌اصلیاینجهاناست. (محمدیریشهری، مترجم: مهریزی؛ ۱۳۸۴؛ ۲۳)

## نتیجه‌گیری:

بنابر این باتوجه به مطالبیکه بیانگردید روشن شد که راه‌های خداشناسی مختلف و متعدد است و هر یک از راه‌های خدا را می‌شناسد چنانکه از پیرزنی سوال کردند که خدا را چگونه همیشه‌ناسیا از پشمیکه میریست دستکشید گفت از این راه یعنی آگ رمانی را به حرکت‌نیا و رنمی‌چرخد این عالم نیز گرداننده دارد که این عالم را روینظم برقرار و استوار نمود. و آنرا می‌چرخاند. و فیلسوفان هم از راه استدلال و برهان عقلی و منطقی و عارفان از راه کشف و شهود و بعضی هم از راه فطرت خود خلاصه ر کسب‌نحویه خداشناسی می‌رسد. خدا را در کمی‌کنند.

## پیشنهادات:

- ۱- از اساتید و نویسندگان دیگر امیدوار می‌شود که در مورد خداشناسی و خدا یا بی‌طرح‌ها یا گونه‌ها یا گونه‌ها را پیشنهاد دهند.
- ۲- از سخنرانها و مبلغان خواهشمندیم که سخنرانی‌ها یا بی‌در باب خداشناسی بیشتر صحبت کنند.
- ۳- در کتابخانه‌ها از روزنامه‌ها و مجله‌ها یا بهر ویدر مورد خدا یا بی‌و خداشناسی بیشتر در اختیار جوانان صورت‌تگیرد.
- ۴- در مورد خداشناسی در عرصه سینما و تلویزیون بیشتر کار شود و فیلم شود.

- ۱- پورفلاحی، محمدرضا، تجلیایمان، ۱۳۷۷، نشر صدر جمهوری اسلامی، ص ۸۶.
- ۲- حسینی طهرانی، محمد حسین، اللهشناسی، ۱۴۱۷ق، انتشارات اعلامیه طباطبایی، ج ۱، ص ۱۲۲.
- ۳- حکمتفر، محمد حسین، رسالهبر هاندینحق، ۱۳۸۸، نشر دارالمومنین، ص ۳۴.
- ۴- جعفری، احمد، انسانوابدیت، ۱۳۸۰، نشر هاجر، ص ۴۱.
- ۵- جوادی آملی، عبدالله، شرحالحکمهمتعالیهما لصدر، ۱۳۶۸، نشر الزهراء، تهران، ص ۷۴.
- ۶- دستغیب، سید عبدالحسین، تردید و توکل، ۱۳۹۲، نشر نشر اسلامیاو استهبه حوزها یعلمیه قم، ص ۱۳۸.
- ۷- سعیدی مهر، محمد، آموزشکلاماسلامی، ۱۳۷۷، موسسهفرهنگیظه، ج ۱، ص ۲۳.
- ۸- سبحانی، جعفر، تلخیص، محاضراتفیالالهیات، ۱۴۱۶ق، نشر اسلامی، ص ۵.
- ۹- سهروردی، یحییبنحبش، حکمهاالاستراق، شرحمحمدبنمحمودشهرورزی، ۱۳۸۰، نشر علومانسانیاومطالعات فرهنگی، تهران، ص ۹.
- ۱۰- شجاعی، محمد، ضرورتخداشناسی، بیتا، نشر محیی، قم، ص ۱۱۷.
- ۱۱- شیخانی، علیباقر، اصولدین، ۱۳۹۳، نشر هاجر، ص ۴۱.
- ۱۲- طباطبایی، محمد حسین، المیزانفیالتقیه-القرآن، نشر اسلامی، قم، ج ۱۷، ص ۴۵.
- ۱۳- فاطمی، محسن، براهیناخلاق، ۱۳۷۴، نشر حوزهنهری، قم، ص ۸۰.
- ۱۴- قدرانقواملکی، محمد حسن، خدانشناسی، ۱۳۹۰، نشر پژوهشگاهفرهنگواندیشهاسلامی، ۹۶.

- ۱۵- محمدی ریشهری، محمد، حکمتنامه، مترجم: مهدیمهریزی، ۱۳۸۴، نشر دارالحدیث، قم، ص ۲۳.
- ۱۶- مجلسی، محمد تقی، بحار الانوار، موسسه الوفا بیروت، ج ۶۴، ص ۱۳۷
- ۱۷- مصباحیزدی، محمد تقی، آموز ش فلسفه، ۱۳۷۰، نشر تبلیغات اسلامی، ج ۲، ص ۳۵۷
- ۱۸- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۱۳۷۱، نشر صدرا، ج ۶، ص ۹۳۴
- ۱۹- همان، نبوت، ص ۲۶۸.
- ۲۰- مکارمشیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۳۶۴، نشر دارالکتب، تهران، ج ۲۷، ص ۲۹۰.
- ۲۱- ملیکان، مصطفی، تاریخ فلسفه عرب، ج ۲، ص ۱۴۶.
- ۲۲- مونیما، جاکلودر، اثبات وجود خدا، مترجم: آرام، ۱۳۶۱، نشر آموز شانقلا باسلامی، تهران، ص ۲۰۳.
- ۲۳- نصری، عبدالله، خدا در اندیشه بشر، ۱۳۷۳، نشر دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ص ۱۶۰.